

## تحلیل دیدگاه‌های علامه طباطبایی

### در تمثیلات قرآن\*

نسرین انصاریان (نویسنده مسئول)\*\*

محمد فلاحی قمی\*\*\*

### چکیده

از صدر اسلام تاکنون پی بردن به آموزه‌های قرآن کانون توجه مفسران و اندیشمندان علوم قرآنی بوده و هست. یکی از مفسران معاصر علامه طباطبایی است که مقبولیت علمی خاصی در جامعه تفسیری و حتی عامه مردم دارند و از آثار سرآمد ایشان مجموعه چند جلدی «المیزان فی تفسیر القرآن» است که توجه عمیق به مطالب آن برای رسیدن به مراد واقعی آیات و پی بردن به معارف و آموزه‌های قرآن راهگشاست؛ از طرفی برخی آیات، بیانی کلیدی و رمز آلود دارند که یک دسته از این آیات «تمثیلات» هستند. هدف این نوشته تحلیل دیدگاه‌های علامه طباطبایی در مورد تمثیل در تفسیر المیزان است. اهمیت موضوع این مقاله از این رو است که با تحلیل دیدگاه‌های ایشان در این مورد، می‌توان به بخشی از نکات کلیدی و نهفته در تمثیلات قرآن پی برد. داده‌های پژوهش در اکثر موارد علاوه بر تفسیر المیزان، کتب تفسیری، بلاغی و لغوی بوده و بر اساس روش توصیفی، تحلیلی یافته‌های پژوهش به این اشاره دارند که علامه طباطبایی آیاتی را که در آنها واژه «مَثَل» و مشتقات آن است، تمثیل دانسته و ضمن اشاره به وجوه مشابهت‌ها، برداشتی عقلانی از آیات و روایات تفسیری دارد؛ البته برخی عبارات قرآنی که ایشان قائل به تمثیل است به دلیل آشکار نبودن «تشبیه» و «وجوه مشابهت‌ها» محل تأمل است.

**کلید واژه‌ها:** تحلیل، تمثیل، قرآن، علامه طباطبایی.

\* تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۲/۲۸ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۱۱/۲۵ - نوع مقاله: علمی، پژوهشی.

\*\* طلبه سطح ۳ تفسیر تطبیقی جامعه الزهرا قم، ایران / nasrin.ansarian@yahoo.com

\*\*\* استادیار گروه تفسیر و علوم قرآن، جامعه المصطفی العالمیه. قم. ایران / fallahi.ghomi@yahoo.com

## مقدمه

روش بیان مفاهیم در آیات متفاوت است؛ برخی به صورت حقیقت، برخی مجاز، برخی تشبیه، برخی کنایه و... برخی عبارات قرآنی نیز به صورت «تمثیل» بیان شده است. هر چند وجود تمثیل در قرآن انکار نشدنی است، اما مفسران در کمیت و کیفیت تمثیلات قرآنی متفاوت هستند؛ علامه طباطبایی به عنوان یکی از مفسران معاصر، در تفسیر المیزان در تفسیر برخی آیات آن‌ها را «تمثیل» دانسته است؛ هدف این نوشته تحلیل دیدگاه‌های ایشان در تمثیلات قرآن است.

اهمیت بحث از آن جهت است که انسان برای دستیابی به سعادت دنیوی و اخروی به آگاهی از تمامی معارف و آموزه‌های قرآن نیازمند است. در این راستا برخی آیات به صورت تمثیل بیان شده، بنابراین، فهم مراد از تمثیلات قرآنی نیز برای او لازم است و از آنجایی که علامه طباطبایی از جمله مفسرانی است که در بین جامعه تفسیری و بلکه عامه مردم مقبولیت خاصی دارند، تحلیل دیدگاه‌های ایشان در این رابطه اهمیت دارد.

پیشینه بحث تمثیلات قرآن به قرون اولیه اسلام بر می‌گردد. در ابتدا مفسران در برخورد با آیاتی که به صورت تمثیل بیان شده دیدگاه خود را در رابطه با تمثیل در قرآن بیان می‌کردند. (مصری، ۱۳۶۸: ۱۷۹؛ صدر المتألهین، ۱۳۶۱: ۲/ ۲۳۲؛ بلاغی، ۱۳۶۸: ۷/ ۹۶؛ ابوزهره، ۱۴۱۸: ۲۷۴) برخی دانشمندان علوم قرآنی نیز در لابه‌لای کتابهای خود فصلی را به این بحث اختصاص می‌دادند (ر. ک: جرجانی، بی تا: ۷۳؛ عرفان: ۱۳۷۹: ۹۹)

برخی نویسندگان نیز با نگاه استقلالی به تمثیلات قرآن آثاری را به رشته تحریر در آوردند. از جمله این آثار کتاب «تشبیهات و تمثیلات قرآن» نوشته «جهانبخش ثواقب» است که در دو بخش تمثیلات و تشبیهات تنظیم شده است. همچنین کتاب «تمثیلات تفسیر نور» نوشته محسن قرائتی که در آن تمثیلات قرآنی که در تفسیر نور تبیین شده آمده است، در همین شمار است.

کتاب دیگری با عنوان «تمثیلات قرآنی و جلوه‌های تربیتی آن» توسط «حمید محمد قاسمی» نوشته شده که مزیت آن بر کتاب‌های قبل این است که در کتاب‌های

قبلی به جنبه ادبی تمثیلات توجه شده، اما در این کتاب به بررسی تمثیلات قرآن از جنبه تربیتی آن پرداخته شده است.

هر چند در مورد تمثیلات قرآنی تاکنون مطالب ارزشمندی نوشته شده اما در مورد تحلیل دیدگاه علامه طباطبائی در مورد تمثیلات قرآن، نوشته‌ای یافت نشد، از این رو هدف این پژوهش قرار گرفت.

## ۱. مفهوم شناسی

ریشه واژه «تمثیل» «م ث ل» است که لغویان آن را به «شبهه»، «نظیر» و «کلمه‌ای که برای بیان تسویه بین دو چیز استعمال می‌شود» معنا کرده‌اند. (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۲۲۸/۸؛ ابن فارس، ۱۴۰۴: ۵/۲۹۶) واژه «تمثیل» نیز مصدر باب تفعیل از این ریشه است که لغویان معنای آن را این گونه بیان کرده‌اند که «یکی از آن دو شیء، دیگری را روشن و مجسم کند». (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۱/۶۱۴؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۷۵۹)

تمثیل در اصطلاح اهل بلاغت، از انواع تشبیه است که وجه شبه آن يك جمله یا بیش از يك جمله می‌باشد. (دسوقی، بی‌تا؛ ۳/۳۸۸؛ تفتازانی، بی‌تا: ۳۹۱)

نکته مهم در تمثیل این است که باید بر دل‌ها اثر کند، یعنی گوینده طوری امر معقول را به صورت محسوس جلوه دهد که امکان تحریک انسان‌ها را چندین برابر سازد. (صفی‌الدین حلی، بی‌تا: ۱۱۸)

برخی مفسران در این رابطه آورده‌اند که «مثال و تمثیل، تشبیه نمودن امر معقول به محسوس است که معقول را تا اندازه‌ای در پرده محسوس نشان می‌دهد و به این طریق چیزی دستگیر شنونده و مخاطب می‌شود». (امین، بی‌تا: ۲/۱۷۸)

علامه طباطبائی معتقد است کلمه «مثل» به معنای «مانند» و «مثَل» وصفی است که شیء را در نظر شنونده مجسم می‌سازد که در اصطلاح به آن «استعاره تمثیلیه» می‌گویند، مانند اینکه خداوند درباره علمای یهود که به علم خود عمل نمی‌کردند مَثَل زده به چهارپایی که کتاب بر آن بار کرده باشند. (طباطبائی، ۱۳۹۰: ۱۵۹/۲)

ایشان در جای دیگر آورده‌اند که مثل می‌تواند واقعیت خارجی داشته یا نداشته و تنها فرض و خیال باشد، مانند مثل‌هایی که در قالب گفتگوی حیوانات یا جمادات با یکدیگر می‌آورند. (همان: ۳۸۶/۲ و ۴۰۸/۱۴)

علامه ضرورت وجود تمثیل را این‌گونه بیان می‌کنند که بیانات قرآن، مثل‌هایی برای معارف حقه الهی هستند که خداوند آن‌ها را تا سطح افکار عامه مردم تنزل داده است، اما دو مشکل وجود دارد؛ اول اینکه شنونده به ظاهر کلام و جنبه حسی آن اکتفا کند، که در این حالت گوینده به هدف نمی‌رسد، دوم اینکه شنونده به ظاهر کلام توجه نکند و تنها معانی مجرده را در نظر بگیرد که در این صورت مطلبی کمتر یا بیشتر از هدف گوینده می‌فهمد، زیرا نمی‌داند چه اندازه خصوصیات مثل را طرد نموده و چه مقدار را برای فهم مقصود محفوظ بدارد.

علامه طباطبایی راهکار خلاصی از دو مشکل را این می‌داند که گوینده باید معنای ممثل را به صورت مثل‌های مختلف بیان کند تا شنونده بتواند با معارضه انداختن قالب‌ها هم بفهمد که آن قالب‌ها در ماوراء خود حقایقی ممثل دارند و مراد گوینده تنها لفظ محسوس نیست و هم بفهمد چه مقدار از خصوصیات ظاهر کلام را باید طرد کند. (همان: ۶۲/۳ - ۶۳ و ۴۴۲/۱۲)

ایشان در مورد محدوده بیان قسمت‌های یک تمثیل آورده‌اند که در مثل‌های قرآنی اگر تمام مثل مورد نظر بوده، همه آن ذکر شده مانند آیه «مَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ» (ابراهیم: ۲۶) «سخن بد را به درخت ناپاکی شبیه کرد که از زمین کنده شده و قرار و ثباتی ندارد» و اگر بعضی از قسمت‌های مثل مورد نظر بوده یا به نقل همان مقدار اکتفا شده مانند «إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أُنْزِلْنَا...»؛ (یونس: ۲۴) «مثل دنیا درست مانند آبی است که از آسمان نازلش می‌کنیم...» یا همه قصه به منظور ناقص نبودن ذکر شده مانند «أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةُ حَبَّةٍ» (بقره: ۲۶۱) «...حکایت دانه‌ای است که هفت خوشه رویانیده که در هر خوشه صد دانه باشد...» که در این تمثیل مراد تنها دانه‌ای است که هفتصد دانه از آن به وجود می‌آید و کاشتن و رویدن آن دخالتی در تمثیل ندارد (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳۸۶/۲)

برای دستیابی به تحلیلی صحیح از دیدگاه علامه طباطبائی در مورد تمثیلات قرآن، لازم است در سه محور بحث شود؛ ابتدا ملاک تشخیص تمثیلات از جانب ایشان بیان گردد، سپس روشی که ایشان برای تبیین آن تمثیل به کار برده‌اند مشخص شود و در آخر به نکات علمی حاصل از بررسی آیاتی که علامه آن‌ها را تمثیل دانسته اشاره شود.

## ۲. ملاک تشخیص تمثیلات قرآن

اولین مطلب در تحلیل دیدگاه‌های علامه طباطبائی در تمثیلات قرآن، یافتن ملاکی برای تشخیص تمثیل در قرآن از جانب ایشان است. حاصل بررسی در این زمینه این شد که در برخی آیات که لفظ «مَثَل» یا مشتقات آن ذکر شده علامه آن‌ها را تمثیل دانسته است. (همان: ۳۶/۱۲ و ۲۰۱/۱۵؛ ۱۶/۱۳۰-۱۳۱؛ ۱۶/۱۷۶؛ ۲۱۳/۱۹)

به عنوان مثال عبارت «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا» هفت بار در قرآن آمده (ابراهیم: ۲۴ نحل: ۷۵، ۷۶ و ۱۱۲؛ زمر: ۲۹؛ تحریم ۱۰ و ۱۱) و توضیحات وی حاکی از آن است که همه را تمثیل گرفته‌اند (همان: ۲۹۹/۱۲، ۳۰۱ و ۳۶۱؛ ۱۷/۲۵۸)

یکی از آن آیات، این آیه است: ﴿ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَامْرَأَتَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحَيْنِ فَخَانَتَاهُمَا... وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ... وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ...﴾ (تحریم: ۱۰-۱۲) «و نیز خدای تعالی برای کسانی که ایمان آوردند مثلی می‌زند و آن داستان همسر فرعون است... و داستان مریم دختر عمران...».

در این آیه، عبارت «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا» دو بار آمده است. علامه ذیل آیه آورده است که این آیات متضمن دو تمثیل هستند؛ تمثیل اول، حال کفار و تمثیل دوم، حال مؤمنان. برای تمثیل حال کفار، آن‌ها را مانند حال دوزنی دانسته که همسر دو پیامبر بودند، اما خیانت کرده و دوزخی شدند و برای تمثیل حال مؤمنان آن‌ها را مانند حال دوزن دانسته یکی همسر فرعون و دیگری مریم دختر عمران. (طباطبائی، ۱۳۹۰: ۳۴۳/۱۹)

مثال دیگر در این زمینه، آیه ۷۳ سوره مبارکه حج است: «أَيُّهَا النَّاسُ ضَرْبَ مَثَلٍ فَاسْتَمِعُوا لَهُ...» (حج: ۷۳) «ای مردم مثلی زده شده گوش بدان دارید...».

در این آیه عبارت «ضَرْبَ مَثَلٍ» آمده و علامه به این دلیل آن را تمثیل دانسته است. (همان: ۴۰۸/۱۴)

در برخی آیات (رعد: ۱۷؛ ابراهیم: ۴۵؛ نحل: ۷۴؛ اسراء: ۴۸؛ نور: ۳۵؛ فرقان: ۹ و ۳۹؛ عنکبوت: ۴۳؛ حشر: ۲۱)

واژه «مَثَل» به صورت جمع یعنی «امثال» به کار رفته و ایشان آن‌ها را نیز تمثیل می‌داند. (همان: ۳۳۵/۱۱؛ ۵۰/۱۲؛ ۸۴ و ۲۹۸؛ ۱۱۵/۱۳؛ ۱۲۳/۱۵؛ ۱۸۵ و ۲۱۸؛ ۱۳۲/۱۶؛ ۱۹/۲۲۱)

به همین منوال، علامه طباطبایی در آیاتی که «کاف تشبیه» آمده و دارای وجوه مشابهت است، آن‌ها را تمثیل می‌داند.

یکی از این موارد، آیه ۱۴ سوره رعد است: «... الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ لَهُمْ بِشَيْءٍ إِلَّا كَبَاسِطٌ كَفِّهِ إِلَى الْمَاءِ لِيُغْلَغَ فَاَهُ وَ مَا هُوَ بِبَالِغِهِ...» (رعد: ۱۴) «... و کسانی که جز او را می‌خوانند به هیچ وجه اجابتشان نمی‌کنند، آنان همانند کسی هستند که دو دست خود را به سوی آب برد که آب به دهانش رسد اما آب به دهانش نخواهد رسید...».

علامه ذیل این آیه ابتدا آورده است که انسان تشنه برای آشامیدن آب، نزدیک آب شده، کف دست را باز می‌کند، آب را برداشته و می‌نوشد، اما تشنه‌ای که از آب دور است، اگر کف دست را باز کرده و نزدیک دهان ببرد، آبی به دهانش نمی‌رسد. سپس بیان می‌کند که این آیه می‌رساند مَثَل کسی که غیر خدا را می‌خواند مَثَل شخص دور از آب است، همان‌گونه که دست را نزدیک دهان بردن او را سیراب نمی‌کند، دعای بت‌پرستان هم در ظاهر دعا کردن است و خاصیت دیگری ندارد. (همان: ۳۱۸/۱۱)

ایشان در جاهای دیگر نیز به همین منوال عمل کرده است. (همان: ۳۵/۱۲)

بنابر این ملاک تشخیص تمثیلات قرآنی از دیدگاه علامه این است که در آیه به نحوی به «مثال» بودن آن اشاره شده باشد.

### ۳. روش تبیین تمثیلات قرآن

دومین مطلب در مورد تحلیل دیدگاه‌های علامه طباطبایی در تمثیلات قرآنی «روش تبیین تمثیلات قرآنی» است.

ایشان در برخورد با تمثیلات قرآن به وجوه مشابهت‌های متعدد اشاره کرده‌اند به عنوان مثال می‌توان به این آیه اشاره کرد: ﴿اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ...﴾ (نور: ۳۵) «خدا نور آسمان‌ها و زمین است. نور او همچون محفظه‌ای است که در آن چراغی باشد و چراغ در شیشه‌ای، شیشه‌ای که گویی ستاره‌ای است درخشان و آن چراغ با روغن زیتی صاف روشن باشد که از درخت پر برکت زیتون (سر زمین مقدس) گرفته شده باشد نه زیتون شرقی و نه غربی، در نتیجه آن چنان صاف و قابل احتراق باشد که نزدیک است خود به خود بسوزد هر چند که آتش بدان نرسد...».

در تبیین تمثیل این آیه اکثر مفسران به بیان مراد از نور در آیه پرداخته‌اند؛ برخی آن را ایمان و معرفت (کاشفی، بی‌تا: ۷۸۰؛ حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۱۱/۳۷۱)، برخی نور سینه محمد ﷺ (ابن عادل، ۱۴۱۹: ۱۴/۳۸۹؛ ابن ابی جامع، ۱۴۱۳: ۲/۳۸۷؛ پانی‌پتی، ۱۴۱۲: ۶/۵۲۵) و برخی دیگر چندین مورد ذکر کرده‌اند. از جمله هدایت، نور معرفت در قلب مؤمن، حواس خمس، قوه خیال، قوه عقل، قوه فکر و قوه قدسیه نبویه. (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۴/۱۰۷؛ نظام الاعرج، ۱۴۱۶: ۵/۱۹۷)

علامه طباطبایی در این آیه تابش نور از شیشه چراغ بر خانه را، تمثیل برای تابش نور خداوند بر دل‌های مؤمنان دانسته‌اند و در تبیین تمثیل علاوه بر اینکه نور را معرفت الهی می‌داند، به تعدد تشبیه‌ها نیز اشاره کرده و آورده است که آنچه تشبیه به مشکات شده، مشکات و همه خصوصیات است که در آیه آمده و همه آن ویژگی‌ها در تشبیه دخالت دارند. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۵/۱۲۳) ایشان در جاهای دیگر نیز به همین منوال عمل کرده است. (همان: ۱۶/۶ و ۳۴۸)

به این صورت علامه در تبیین تمثیلات قرآن به وجوه مشابهت‌ها در آن اشاره کرده، که به این وسیله هم دلیلی بر صحت تمثیل بودن آیه ذکر شده و هم از بیان آن وجوه مشابهت در تفسیر آیه بهره برده است.

#### ۴. نکات استنباط شده از دیدگاه علامه طباطبایی رحمته الله علیه

سومین مطلب در مورد تحلیل دیدگاه علامه طباطبایی در مورد تمثیل، بیان نکات به دست آمده از دیدگاه‌های ایشان است. با توجه به اینکه ایشان علاوه بر قائل شدن به تمثیل در برخی آیات، برخی روایات تفسیری را که در کتاب «المیزان فی تفسیر القرآن» آورده‌اند، نیز تمثیل می‌داند، در این قسمت از نوشته تمثیل در آیات و تمثیل در روایات تفسیری به صورت مجزا بررسی می‌شوند.

##### ۴. ۱. برداشتی عقلانی از تمثیل در آیات

برخی از مواردی که علامه طباطبایی در کتاب «المیزان فی تفسیر القرآن» قائل به تمثیل آن می‌باشد، در مورد آیات است و علامه ضمن تمثیل دانستن آن‌ها برداشتی عقلانی از آن‌ها را ارائه می‌دهد، از جمله:

۱. رانده شدن حضرت آدم علیه السلام از بهشت تمثیل برای جریان زندگی همه انسان‌ها اولین مثال از تمثیلات در آیه که علامه طباطبایی برداشتی عقلانی از آن کرده، این آیه است: ﴿فَوَسَّوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَمُلْكٍ لَا يَبْلَى فَاكْلًا مِنْهَا فَبَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَعَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى ثُمَّ اجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَتَابَ عَلَيْهِ وَهَدَى﴾؛ شیطان او را وسوسه کرد و گفت: ای آدم آیا تو را به رخت خلود و سلطنتی که کهنه نمی‌شود راهبری کنم؟ سرانجام هر دو از آن درخت خوردند و عورت‌هایشان به ایشان نمودار شد و بنا کردند از برگ‌های بهشت به خودشان بچسبانند، آدم نافرمانی پروردگار خویش کرد و از راه برفت پس از آن پروردگارش او را برگزید و توبه او را پذیرفت و هدایتش کرد. (طه: ۱۲۰-۱۲۲)

در این آیه داستان حضرت آدم علیه السلام و همسرش، وسوسه شیطان و اخراج‌شان از بهشت آمده است. در زمینه این داستان دو دیدگاه بین مفسران وجود دارد؛ بیشتر



آنان حوادث را مربوط به حضرت آدم علیه السلام می‌دانند و برخی قائل اند که آن تمثیلی برای نوع انسان است (سلطان علی شاه، ۱۴۰۸: ۱/۷۵؛ رضا، ۱۴۱۴: ۱/۲۸۰)

تمثیل در آیه این گونه تبیین شده است:

مراد از بهشت این است که ذات انسان به رفاه و آسایش گرایش دارد؛ مراد از درخت ممنوع، شرّ و بدی و نهی از آن، بر حذر داشتن انسان از چیزی است که مانع کمالش شود. مراد از وسوسه شیطان، روح پلیدی است که انسان‌ها را به سوی زشتی‌ها می‌کشاند و مراد از پذیرش توبه حضرت آدم علیه السلام این است که برای انسان امکان بازگشت و جبران گذشته‌ها وجود دارد. (رضا، ۱۴۱۴: ۱/۲۸۳)

علامه طباطبائی در این زمینه آورده است که خداوند حضرت آدم علیه السلام را در بهترین قوام خلق کرد و نعمت‌های فراوانی به او عطا فرمود، اما وی دل به دنیا بست و به-تدریج زشتی‌های زندگی دنیا برایش روشن گشته و از بهشت اخراج شد ایشان اضافه می‌کند که این داستان حال همه انسان‌ها را تمثیل می‌کند. (طباطبائی، ۱۳۹۰: ۱/۲۱۸)

نکته قابل توجه این است که علامه طباطبائی این تمثیل را تمثیلی حقیقی می‌داند، نه تخیلی و قول برخی که مراد از حضرت آدم علیه السلام را آدم نوعی یعنی جنس و طبیعت انسان خارجی می‌دانند (آلوسی، ۱۴۲۰: ۲۱/۱۲۳) رد می‌کند و معتقد است اگر مراد آدم نوعی باشد محلی برای فرض همسر برای او باقی نمی‌ماند. ایشان منشأ این سخن را اعتقاد به قدیم بودن زمین و انواع موجودات اصلی آن و از آن جمله انسان می‌داند و معتقد است اصول علمی این ادعا را به طور قطع باطل می‌داند. (طباطبائی، ۱۳۹۰: ۱۶/۲۵۷)

علامه طباطبائی در آیات دیگر که خطاب به «بنی آدم» است به این داستان و تمثیل بودن آن برای همه انسان‌ها اشاره کرده است. از جمله در این آیه: ﴿يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُورِي سَوَآتِكُمْ وَ رِيشًا وَ لِبَاسَ التَّقْوَى ذَٰلِكَ خَيْرٌ...﴾؛ ای فرزندان آدم! ما بر شما لباسی فرو فرستادیم که عورت‌های شما را می‌پوشاند و نیز پوششی زیبا نازل کردیم و لباس تقوا بهتر است... (اعراف: ۲۶)

ایشان در تفسیر این آیه آورده است که نمایان شدن عورت حضرت آدم علیه السلام و همسرش در بهشت تمثیلی است برای کندن لباس تقوا از تن انسان‌ها، بنابراین هر

انسانی تا فریب شیطان را نخورده در بهشت سعادت است و هنگامی که فریب خورد خداوند او را از آن بیرون می‌کند. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۸/ ۷۱)

برخی مفسران نیز این آیه را تمثیل دانسته‌اند. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۷۳۵؛ حقی برسوی، بی‌تا: ۶/ ۲۲۲)

به نظر می‌رسد با توجه به اینکه علامه طباطبایی و کسانی که هم رأی ایشان هستند موضوع داستان را که در مورد حضرت آدم علیه السلام است رد نکرده‌اند، بلکه مطلبی - عقلانی اضافه بر نظر مفسران دیگر بیان کرده‌اند، صحت این دیدگاه محتمل است.

#### مثال دوم: تمثیل دانستن حوادث مادی در قیامت

دومین مثال از تمثیل در آیات که علامه طباطبایی برداشتی عقلانی از آن کرده است، آیات مربوط به حوادث مادی در قیامت است. ایشان معتقد است روز قیامت با انقراض دنیا به پا می‌شود و آیاتی که از خراب شدن دنیا و تبدیل زمین و آسمان به یکدیگر و فروریختن ستارگان و ... سخن می‌گویند (نازعات: ۴۶؛ روم: ۵۵) نوعی تشبیه و تمثیل هستند. (طباطبایی ۱۳۹۰: ۲۰/ ۱۹۶)

علامه با تمثیل دانستن این آیات به نکته عقلانی که در قیامت ویژگی‌های مادی از بین می‌روند، به خوبی اشاره کرده است.

### ۴.۲. برداشتی عقلانی از تمثیل در روایات تفسیری

دومین مورد که علامه طباطبایی در کتاب «المیزان فی تفسیر القرآن» قائل به تمثیل آن است، در مورد روایات تفسیری است و علامه ضمن تمثیل دانستن آن‌ها برداشتی عقلانی از آن‌ها ارائه می‌دهد، از جمله:

#### مثال اول:

اولین مثال از تمثیلات در روایات تفسیری که علامه طباطبایی برداشتی عقلانی از آن کرده‌اند روایات مربوط به برخی مطالب معراج مانند دیدن خدا و سخن گفتن علنی با اوست. مجسم شدن دنیا در هیئت زنی که همه رقم زیور دنیایی به خود بسته، دیدن انواع نعمت‌ها و عذاب‌ها برای بهشتیان و دوزخیان و...، علامه همه این موارد را از باب تمثیل می‌داند و مؤیدی که برای سخنان خود می‌آورد اختلاف لحن اخبار این باب است.

به عنوان مثال معتقدند که درباره صعود رسول اکرم ﷺ به آسمان در روایات اختلاف است. بنا بر روایات این صعود گاهی به وسیله براق، گاهی بال جبرئیل علیه السلام و گاهی به وسیله نردبانی که يك سرش روی صخره بیت المقدس و سر دیگرش به بام فلک رفته، صورت گرفته است.

ایشان مراد از این بیانات را مجسم ساختن امری غیر مادی به صورت امری مادی به نحو تمثیل می‌دانند. (طباطبائی، ۱۳۹۰: ۱۳/۳۴)  
برخی مفسران نیز در تمثیل دانستن روایات مربوط به معراج با علامه هم عقیده هستند. (حقى برسوى، بی‌تا: ۵/۱۱۳)

به این ترتیب تمثیل دانستن این روایات پاسخی عقلانی به شبهات مربوط به مادی بودن آن‌ها می‌دهد.

**مثال دوم؛** مثال دوم برای تمثیل دانستن روایات تفسیری از دیدگاه علامه طباطبائی در کتاب «المیزان فی تفسیر القرآن» در مورد شکافته شدن سینه پیامبر اکرم ﷺ است. آیه زیر مثالی برای این مورد است: ﴿أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ﴾؛ آیا ما سینه تو را گشاده نساختم؟ (شرح: ۱)

علامه مراد از «شرح صدر نبی اکرم ﷺ» را گستردگی و وسعت نظر نبی ﷺ می‌داند، به گونه‌ای که ظرفیت تلقی وحی و نیروی تبلیغ آن و تحمل ناملازمات راه را داشته باشند. (طباطبائی، ۱۳۹۰: ۲۰/۳۱۴)

از این رو، در روایاتی که مراد از آیه را شکافتن ظاهری سینه نبی اکرم ﷺ، در آوردن کینه و حسد از آن و قرار دادن رأفت و رحمت در آن ذکر کرده‌اند، تمثیل می‌داند. (همان: ۲۰/۳۱۵)

برخی مفسران نیز آن را تمثیل دانسته (ابوالسعود، ۱۹۸۳: ۹/۱۷۲) و برخی علت تمثیل بودن را این دانسته‌اند که «شرح» به معنی گستردگی غیر از «شق» به معنی شکافتن است. (ابن شهر آشوب، ۱۳۶۹: ۲/۱۰) برخی نیز شکافتن سینه را دور از عقل می‌دانند. (کاشانی، بی‌تا: ۵/۲۳۶)

به نظر می‌رسد جمله اخیر یعنی «دور از عقل بودن شکافتن سینه» برهانی قوی برای تمثیل دانستن این دسته روایات است.

## ۵. تأملی در دیدگاه علامه طباطبائی رحمته الله علیه

حاصل بررسی آیاتی که علامه طباطبائی قائل به تمثیل آن شده‌اند، این است که برخی از این موارد قابل تأمل است، زیرا در برخی آیات که ایشان قائل به تمثیل شده، تشبیه واضحی وجود ندارد یا وجوه مشابهت‌های متعدد قابل تصور نیست.

یکی از این موارد، آیه ۷۸ سوره مبارکه نساء است: ﴿أَيْنَمَا تَكُونُوا يُدْرِكْكُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشِيدَةٍ﴾؛ هر کجا باشید مرگ شما را در می‌یابد هر چند در بناهای استوار باشید... (نساء: ۷۸)

در این آیه علامه طباطبائی ضمن اشاره به تمثیل بودن آن آورده‌اند که مرگ سرنوشتی همگانی است، هر چند انسان در محکم‌ترین پناه‌گاه باشد. (طباطبائی، ۱۳۹۰: ۷/۵)

مفسران دیگر لفظ تمثیل را برای این آیه به کار نبرده و تنها توضیحی مانند علامه برای آیه بیان کرده‌اند. (ابوحیان، ۱۴۲۰: ۳/۷۱۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۳/۱۲۰؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۱۳/۲۳)

به نظر می‌رسد وجوه مشابهت‌های متعدد در آیه واضح نیست و پناه بردن به برج‌های محکم برای فرار از مرگ تنها مصداقی برای فرار از مرگ است، نه تشبیهی برای آن، از این رو تمثیل دانستن آن قابل تأمل است. این مطلب در موارد دیگر نیز که علامه قائل به تمثیل شده است، وجود دارد. (طباطبائی، ۱۳۹۰: ۱۷/۲۹۲)

## نتیجه‌گیری

۱. ملاک تشخیص علامه طباطبائی برای تمثیل‌های قرآنی این است که ایشان آیات و عبارات دارای واژه «مَثَل»، مشتقات و هم‌معنای آن را «تمثیل» می‌داند.

۲. علامه طباطبائی در مقام تبیین تمثیلات قرآنی به وجوه مشابهت‌ها در آن اشاره می‌کند.

۳. نکات به دست آمده از بررسی تمثیل‌های قرآنی در «المیزان فی تفسیر القرآن» حاکی از آن است که علامه از تمثیل‌های آیات و روایات تفسیری برداشتی عقلانی دارد.

۴. برخی عبارات قرآنی که علامه طباطبائی قائل به تمثیل آن است، به دلیل آشکار نبودن تشبیه و وجوه مشابهت‌ها محل تأمل هستند.

## منابع و مأخذ:

### قرآن کریم

- ابن ابی جامع، علی بن حسین (۱۴۱۳)، الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز (عاملی)، ۳ جلد، چاپ اول، قم: دار القرآن الکریم.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۶۹)، متشابه القرآن و مختلفه، ۲ جلد، چاپ اول، قم: بیدار.
- ابن عادل، عمر بن علی (۱۴۱۹)، اللباب فی علوم الکتاب، ۲۰ جلد، چاپ اول، دار الکتب العلمیه، بیروت: منشورات محمد علی بیضون.
- ابن عاشور، محمد طاهر (۱۴۲۰)، تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور، ۳۰ جلد، چاپ اول، بیروت: مؤسسة التاریخ العربی.
- ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴)، معجم مقاییس اللغة، ۶ جلد، چاپ اول، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴)، لسان العرب، ۱۵ جلد، چاپ سوم، بیروت: دار صادر.
- ابن ابی اصبح مصری، عبد العظیم بن عبد الواحد (۱۳۶۸)، بدیع القرآن (ترجمه)، ۱ جلد، چاپ اول، مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی.
- ابو السعود، محمد بن محمد (۱۹۸۳)، تفسیر ابی السعود (ارشاد العقل السلیم الی مزایا القرآن الکریم)، ۹ جلد، چاپ اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابو حیان، محمد بن یوسف (۱۴۲۰)، البحر المحیط فی التفسیر، ۱۱ جلد، چاپ اول، بیروت: دار الفکر.
- ابوزهره، محمد (۱۴۱۸)، المعجزة الکبری القرآن، ۱ جلد، چاپ اول، قاهره: دار الفکر العربی.

- عرفان، حسن، (۱۳۷۹)، اعجاز در قرآن کریم، ۱ جلد، چاپ اول، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- جرجانی، عبدالقاهر بن عبد الرحمن (بی تا)، أسرار البلاغة فی علم البیان، ۱ جلد، چاپ اول، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- امین، نصرت بیگم (بی تا)، تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن، ۱۵ جلد، چاپ اول، بی نا، بی جا.
- آلوسی، محمود بن عبدالله (۱۴۱۵)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، ۱۶ جلد، چاپ اول، بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.
- بلاغی، عبد الحجه (۱۳۶۸)، حجة التفسیر و بلاغ الإکسیر، ۷ جلد، چاپ اول، قم: حکمت (چاپخانه).
- بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸)، أنوار التنزیل و أسرار التأویل (تفسیر البیضاوی)، ۵ جلد، چاپ اول، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- پانی پتی، ثناء الله (۱۴۱۲)، التفسیر المظهری، ۱۰ جلد، چاپ اول، کویته: مکتبة رشديه.
- تفتازانی، مسعود بن عمر (بی تا)، کتاب المطول و بهامشه حاشية السيد مير شريف، ۱ جلد، چاپ چهارم، قم: مکتبة الداوری.
- حسینی همدانی، محمد (۱۴۰۴)، انوار درخشان در تفسیر قرآن، ۱۸ جلد، چاپ اول، تهران: لطفی.
- حقی برسوی، اسماعیل بن مصطفی (بی تا)، تفسیر روح البیان، ۱۰ جلد، چاپ اول، بیروت: دار الفکر.
- دسوقی، محمد (بی تا)، حاشية الدسوقي على مختصر المعانی، ۴ جلد، چاپ اول، بیروت: المکتبة العصرية.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲)، مفردات ألفاظ القرآن، ۱ جلد، چاپ اول، بیروت: دار القلم.
- رضا، محمد رشید (۱۴۱۴)، تفسیر القرآن الحکیم الشهير بتفسیر المنار، ۱۲ جلد، چاپ اول، بیروت: دار المعرفة.
- سلطان علی شاه، سلطان محمد بن حیدر (۱۴۰۸)، بیان السعادة فی مقامات العبادة، ۴ جلد، چاپ دوم، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- صدر الدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۶۱)، تفسیر القرآن الکریم (صدرا)، ۷ جلد، چاپ دوم، قم: بیدار.

- صفى الدين حلى، عبد العزيز بن سرايا (بى تا)، شرح الكافية البديعية، ١ جلد، چاپ اول، جمهورية العراق. ديوان الوقف السنى، بغداد: مركز البحوث و الدراسات الإسلامية.
- طباطبائى، محمد حسين (١٣٩٠)، الميزان فى تفسير القرآن، ٢٠ جلد، چاپ دوم، بيروت: مؤسسة الأعلمى للمطبوعات.
- طبرسى، فضل بن حسن (١٣٧٢)، مجمع البيان فى تفسير القرآن، ١٠ جلد، چاپ سوم، تهران: ناصر خسرو.
- فراهيدى، خليل بن احمد (١٤٠٩)، كتاب العين، ٩ جلد، چاپ دوم، قم: نشر هجرت.
- كاشانى، فتح الله بن شكر الله (بى تا)، منهج الصادقين فى إلزام المخالفين، ١٠ جلد، چاپ اول، تهران: كتاب فروشى اسلاميه.
- كاشفى، حسين بن على (بى تا)، تفسير حسيني (مواهب عليه)، ١ جلد، چاپ اول، سروان: كتابفروشى نور.
- نظام الاعرج، حسن بن محمد (١٤١٦)، تفسير غرائب القرآن ورغائب الفرقان، ٦ جلد، چاپ اول، بيروت: دار الكتب العلمية، منشورات محمد على بيضون.

